

# یک جنازه؛ چند بیمه‌نامه

● سعید نجفی

از آن دارد که در ناحیه چشم راست جسد کبودی بزرگی دیده می‌شود، خونریزی از گوش راست شدید و پای راست دچار شکستگی شده است. جسد پیمان ده روز در سردخانه بیمارستان نگهداری می‌شود و سپس به دلیل عدم احراز هویت به سازمان پزشکی قانونی منتقل می‌گردد.

آن سوی ماجرا

آقای دکتر شیدا بیست روز است که از فرزند خود بی‌خبر است. طبق گفته خودش به هر جا که توانسته سرزده و در نهایت در میان عکس‌های آلبوم سازمان پزشکی قانونی جنازه پسر خود - کاوه - را پیدا کرده است. از طریق کلانتری محل وقوع حادثه، شکایت خود را مطرح می‌کند و تحویل جسد را خواستار می‌شود.

طبق گزارش سازمان پزشکی قانونی کشور، جسد در تاریخ ۱۷ بهمن ۱۳۷۸ توسط پزشک قانونی و با حضور باز پرس کشیک دادسرای تهران مورد معاینه قرار می‌گیرد. علت مرگ خونریزی و له‌شدگی مغزی در اثر تصادم جسم سخت تعیین می‌شود و جواز دفن به نام کاوه شیدا صادر می‌گردد.

طبق حکم دادگاه عمومی تهران و به استناد ماده ۳۱۳ قانون مجازات اسلامی یک فقره دیه کامل مرد مسلمان از بیت‌المال به اولیا

است. قطرات باران به شدت به شیشه جلوی اتومبیل برخورد می‌کند و برف‌پاک‌کن بدون درنگ آنها را به حاشیه می‌برد. داخل اتومبیل رانمی‌شود دید، ولی حرکت آن نشان می‌دهد که برای رسیدن عجله‌ای در کار است. فضای ورودی بزرگراه شهید ستاری کمی گرفته است. راننده مضطرب و نگران در فاصله‌ای کوتاه از ورودی بزرگراه شهید ستاری اتومبیل را نگه می‌دارد و به عقب نگاه می‌کند. احساس گناه می‌کند. اتومبیل با سرعتی به مراتب بیشتر از قبل به سمت جنوب اتوبان شهید ستاری حرکت می‌کند و ساختمانهای بلند شهرک اکباتان هر لحظه نزدیکتر می‌شوند. آسمان همچنان می‌گریزد.

آدمهای میبهوت با ضربان قلبی که هر لحظه بیشتر می‌شود، دوردست‌های اتوبان شهید ستاری را می‌کاوند تا نشانی از اتومبیل مهاجم بیابند و این در حالی است که در گوشه‌ای از اتوبان قلب یک انسان به سختی می‌تپد. رگه‌هایی از خون بر آسفالت بزرگراه شهید ستاری با آب به حرکت درآمده است.

جمعیت به کناری زده می‌شود و پیکربندی رمق و سنگین پیمان که گویی سالیانی است به خواب عمیق رفته است، بر روی برانکار و داخل آمبولانس آرام می‌گیرد.

صورت جلسه تنظیمی عوامل انتظامی حکایت

این سوی ماجرا

تهران در شب‌های بارانی حکایت دیگری دارد. خیابانها زودتر از معمول از آدم‌ها خلوت می‌شوند، مغازه‌ها به نسبت شب‌های قبل زودتر تعطیل می‌شوند، آلودگی هوا نسبت به روزها و شب‌های قبل کاهش پیدا می‌کند، رانندگان به نسبت شب‌های دیگر با احتیاط بیشتری رانندگی می‌کنند و آنانی که جایی را برای رفتن ندارند، بیشتر از آنکه از رحمت نعمت خدا بهره‌مند شوند، با جان و دل پذیرای مختصر زحمت آن می‌شوند.

پیمان با وضعیت نه چندان مناسب به مانند شب‌های قبل در اطراف میدان نور پرسه می‌زند. سالیانی است که بالای اعتیاد روح و روان و جسم پیمان را به یغما برده است و جز ظاهری از پوست و گوشت که با مختصر لباسی پوشانده شده، نشانی از پیمان چند سال قبل نمانده است.

عقر به‌های ساعت به سرعت به یک بامداد نزدیک می‌شوند. نسبت به شب‌های قبل ماشین‌های کمتری از سمت میدان نور به ورودی بزرگراه شهید ستاری تغییر مسیر می‌دهند. طراوت و شادابی باران برای پیمان بی‌معناست و او فقط خیس شدن و سنگین‌تر راه رفتن را در این شب بارانی حس می‌کند.

تاریکی از یک سو و بارندگی از سوی دیگر، تشخیص نوع اتومبیل را مشکل کرده

دم متوفی کاوه شیدا تعلق می‌گیرد. در تاریخ چهارم اسفند ۱۳۷۸ آقای دکتر شیدا به بیمه آسیا مراجعه می‌کند و با استناد به بیمه‌نامه عمر و حادثه‌ای که در سال ۱۳۷۴ به نام پسرش و به نفع خودش خریداری کرده است، ادعای دریافت خسارت می‌نماید.

### بیمه آسیا و ماجرا

محمد شایگان نیک، معاون مدیر بیمه‌های عمر و حوادث بیمه آسیا، در این خصوص می‌گوید: در تاریخ ۲۱ اسفند ۱۳۷۴ شخصی به نام دکتر شیدا به همراه نوجوانی به بیمه آسیا مراجعه و درخواست صدور بیمه‌نامه عمر و حادثه می‌کند. در نهایت وی اقدام به خرید سه فقره بیمه‌نامه جمعاً با سرمایه عمر ۲۰۰ میلیون ریال (۱۰۰ میلیون ریال عمر و ۱۰۰ میلیون ریال حادثه تکمیلی) به نام فرزندش و به نفع خودش می‌کند.

چگونگی صدور بیمه‌نامه و نیز فوت بیمه‌شده انجام شود. شایگان نیک اولین نکته جالب را در این می‌داند که پدری فرزندش را با حداکثر سرمایه بیمه‌نامه عمر و پس‌انداز در سال ۱۳۷۴ به نفع خود بیمه کند در حالی که خود هیچ‌گونه بیمه‌نامه‌ای ندارد و وقتی از او در این خصوص سؤال می‌شود اظهار می‌دارد خود من هم در بیمه ایران تحت پوشش عمر و پس‌انداز به نفع فرزندم می‌باشم. ولی تماس با شرکت‌های بیمه، عکس مطلب فوق را به اثبات می‌رساند. معاون مدیر بیمه‌های عمر و حوادث بیمه آسیا می‌افزاید: به دنبال طرح این مسائل تقاضای دریافت اصل شناسنامه وی و متوفی شد که پس از دریافت مشخص گردید مغایرت‌هایی در این شناسنامه‌ها با فتوکپی‌های ارسالی قبلی وجود دارد. هم‌چنین تطبیق مدارک دریافتی بیمه ایران با بیمه آسیا نشان داد

دکتر مشخص گردید وی تنها دو دختر ۱۸ و ۱۴ ساله دارد و پسری با آنها زندگی نمی‌کند. در ادامه تحقیقات روشن شد که آقای دکتر قبل از انقلاب در آمریکا با خانمی آمریکایی ازدواج نموده که پس از پیروزی انقلاب همسرش به همراه او به ایران برنگشته و اگر فرزندی هم داشته باشد در مدت ۲۰ سال هیچ‌کس حتی همسر اول وی خبری از او نداشته است. دلیل اصلی دادن نشانی‌های اشتباه شاید این موضوع بوده که نمی‌خواستند هیچ‌یک از افراد خانواده از موضوع بیمه کردن فرزندش اطلاع داشته باشد.

از طرفی رئیس کلانتری محل وقوع حادثه با یادآوری خاطرات آن روزها می‌گوید: بنابر گزارش مأمورینی که جسد را دیده بودند، ظاهر متوفی به افراد دوره‌گرد می‌خورد و ظاهراً روزنامه‌فروش بود. در بیمارستان از جیب مصدوم نسخه پزشکی بدست می‌آید که نام پیمان ... روی آن قید شده بود. در تاریخ ششم بهمن ۱۳۷۸ آقای دکتر شیدا که خود را کاسب معرفی کرد، به کلانتری مراجعه و اظهار می‌کرد که متوفی فرزند وی است. ولی رفتار و حرکات آقای دکتر به افرادی شبیه نبود که فرزندش فوت کرده باشد و هم‌چنین راجع به بیمه فرزندش حرفی نزد.

مأموران کلانتری، مسئولین اورژانس و نگهبانان بیمارستان امیرالمومنین همگی مشابه اظهارات رئیس کلانتری را بیان می‌کنند و در نهایت به سراغ مددکار بیمارستان می‌رویم.

وی می‌گوید: در جیب مصدوم یک نسخه پزشکی به نام پیمان ... بود که بعداً با مراجعه آقای دکتر شیدا و اعلام اینکه مصدوم فرزند وی می‌باشد، تمام وسایل و از جمله نسخه را تحویل گرفت.

سرهنگ سهراب ایرج‌بیک از مراجعه خود به پزشکی قانونی می‌گوید: در سوابق عکس متوفی نام مصدوم پیمان ... درج گردیده بود و عکس متوفی شباهتی به

شایگان نیک ادامه می‌دهد: در تاریخ چهارم اسفند ۱۳۷۸ دکتر شیدا به بیمه آسیا مراجعه می‌کند و به دلیل فوت فرزندش در اثر تصادف رانندگی، ادعای دریافت خسارت می‌کند. پرونده تشکیل و نامبرده در چندین نوبت بسیار عجولانه و به طور متناوب پیگیر دریافت خسارت می‌شود.

ضد و نقیض گویی‌های دکتر شیدا در خصوص آمریکایی بودن و فوت مادر کاوه، زندگی کاوه با مادرش در آمریکا، آخرین حضور آن در ایران در سال ۱۳۶۸ و .... تلنگری به اداره خسارت وارد می‌کند تا تحقیقات جامعی در خصوص

## ضد و نقیض گویی‌های دکتر شیدا... تلنگری به اداره خسارت وارد می‌کند

### تا تحقیقات جامعی در خصوص چگونگی صدور بیمه‌نامه و نیز فوت بیمه‌شده انجام شود

که دست‌کاری‌هایی در جواز دفن و اوراق دیگر انجام شده است.

### ماجرا و نیروی انتظامی

به سراغ سرهنگ سهراب ایرج‌بیک مأمور تحقیقی می‌رویم که از طرف شرکت‌های بیمه ایران و آسیا مأمور شده است تا چند و چون ماجرای دکتر شیدا را با ششم پلیسی خود مشخص کند.

سرهنگ ایرج‌بیک با اشاره به ضد و نقیض گویی‌های دکتر شیدا در بازجویی‌ها و آدرس‌های گوناگونی که در بیمه‌نامه‌های مختلف داده بود، می‌گوید: با پیگیری‌های انجام شده و شناسایی محل سکونت آقای

## یک سر نخ

که می‌داند پیمان چندین سال بود که فرو ریخته بود. اعلام شکایت از آقای دکتر شیدا از طرف مادر پیمان و درخواست بررسی در رابطه با قتل پیمان، پرونده آقای دکتر شیدا را وارد مرحله جدیدی می‌کند. با تشکیل پرونده در دادسرا به دلیل ارایه مدارک جعلی به کلانتری، شرکت بیمه و در نهایت ارائه آنها آن به دادگاه، مرجع قضایی حکم جلب آقای دکتر شیدا را صادر می‌کند و مأمورین با مراجعه به منزل نامبرده وی را دستگیر می‌کنند. متهم در مرحله اول تحقیقات اعتراف می‌کند که متوفی فرزند وی نیست و مدارک ارائه شده به شرکت بیمه جعلی است!

## ادامه ماجرا

سید محمد حجتی مدیر دفتر حقوقی بیمه آسیا به نمایندگی از شرکت بیمه آسیا در مجتمع قضایی صادقیه شکایتمی را از طرف بیمه آسیا علیه

نسخه همراه متوفی تنها سرنخی بود که توانست سرهنگ ایرج بیگ را به مطب تعطیل دکتر ... راهنمایی کند. سرکشی به محل وقوع تصادف، پرس و جو از کاسب‌های محل، پرس و جواز معتادین در پاتوق زیبا شهر و ... هیچ کدام به نتیجه نمی‌رسد. در نهایت نشانی منزل آقای دکتر ... در شهرک اکباتان بدست می‌آید و همسر ایشان که گاهی کارهای مربوط به پرونده بیماران آقای دکتر را نیز انجام می‌دهد، می‌گوید: پیمان ... برادر خانمی است که کارهای تزریقاتی مطب را انجام می‌دهد و وی از قبل عید تاکنون مفقود شده و خانواده‌اش دنبال او می‌گردند.

پروانه خواهر پیمان می‌گوید: برادر ۲۵ ساله‌ام در یک شب بارانی قبل از عید به اتفاق برادر دیگرم تا ساعت ۲۱ در میدان نور بودند. برادر بزرگم به منزل مراجعه می‌کند

عکس شناسنامه متوفی که از سوی آقای دکتر ارائه شده بود، نداشت. هم‌چنین روی بازوی راست جسد، کلمه M انگلیسی خال کوبی شده بود که آقای دکتر از آن اطلاع نداشت.

نتیجه‌گیری سرهنگ در مرحله اول تحقیق بیانگر آن است که متوفی اصولاً فرزند آقای دکتر نیست و احتمالاً فرزند وی در خارج از کشور زندگی می‌کند و تنها شناسنامه ایرانی وی در اختیار آقای دکتر بوده است.

پیگیری‌های سرهنگ سهراب ایرج در وزارت امور خارجه، اداره ثبت احوال تهران و آبادان، پزشکی قانونی، گفت‌وگو با آقای دکتر و ... نتایج زیر را مشخص می‌کند:

- مشخصات همسر آقای دکتر و مادر ...:
- کترین ... تبعه آمریکا اهل جورجیا
- مغایرت سن، قد و وزن ذکر شده در برگ معاینه جسد اخذ شده از پزشکی قانونی و برگ ارایه شده به بیمه
- جعلی بودن مندرجات صفحه آخر (مرگ) شناسنامه همسر آقای دکتر (کترین مری‌نو)

- عکس‌دار نبودن شناسنامه کاوه طبق استعلام از اداره ثبت احوال و ارائه شناسنامه عکس‌دار کاوه از طرف آقای دکتر

به شرکت بیمه

- روتوش کلمه مرد ناشناس از عکس متوفی در پزشکی قانونی و درج نام کاوه شیدا - مونتاز سرعت عکس فردی به تن عکس دیگری در عکس‌های شخصی ارایه شده از طرف آقای دکتر

- انجام تغییراتی همچون گذاشتن ته‌ریش و تغییر بینی بر روی عکس‌های شخصی ارایه شده از طرف آقای دکتر به صورت ناشیانه

تقریباً برای سرهنگ ایرج بیگ و اداره خسارت بیمه آسیا شروع به کلاهبرداری از سوی آقای دکتر قطعی شده بود و تنها پرکردن خلاء تعیین هویت متوفی برای تکمیل پرونده ضروری بود.

## تقریباً برای سرهنگ ایرج بیگ و اداره خسارت بیمه آسیا شروع به کلاهبرداری از سوی آقای

## دکتر قطعی شده بود

ولی پیمان به منزل نمی‌آید. چون پیمان معتاد بود فکر کردیم دستگیر و به زندان منتقل شده است. علامت مشخصه پیمان از طرف پروانه خال کوبی کلمه M بر روی بازوی راست اعلام می‌شود!

حضور مادر، خواهر، برادر و دایی‌های متوفی در روز ۲۰ مرداد ۱۳۷۹ در میدان نور و مقایسه عکس جنازه با عکس‌های شخصی متوفی واقعیات را بر ملا می‌کند. مادر پیمان اصرار عجیبی می‌کند که عکس جنازه را ببیند. خواهر، برادر و دایی‌ها توضیح می‌دهند که جنازه متعلق به پیمان است و نیازی به دیدن عکس نیست. مادر پیمان با دیدن عکس فرو می‌ریزد در حالی

دکتر شیدا مطرح می‌کند. شایگان نیک معاون مدیر بیمه‌های عمر و حوادث بیمه آسیا در گزارش خود نوشته است: ... در طول مدتی که پرونده در جریان بررسی و تحقیق قرار داشت شخص یاد شده مرتباً به این اداره مراجعه و اظهار می‌نمود که خسارت دریافتی را می‌خواهد صرف امور خیریه و بیماران تالاسمی کند. بخشی از نامه مهندس رمضان نژاد - مدیرعامل انجمن تالاسمی ایران به شرکت بیمه ایران را مرور می‌کنیم: ... نظربه اینکه آقای دکتر شیدا قصد دارند خسارت حاصل از بیمه عمر فرزند خود را به انجمن تالاسمی اهدا نمایند، لذا خواهشمند است

دستور فرمائید نسبت به پرداخت خسارت بیمه عمر به نامبرده دستور لازم صادر تا نسبت به اهدا آن به انجمن حمایت از بیماران تالاسمی ایران اقدام گردد! جالب است بخشی از پی‌نوشت قاضی اجرای احکام مجتمع قضائی صادقیه در نامه درخواستی آقای دکتر شیدا را بخوانیم: ... خواهشمند است در پرداخت خسارت بیمه عمر مرحوم کاوه شیدا به پدرش که قصد اهدا مبلغ بیمه مزبور را به انجمن بیماران سرطانی و برای سرای سالمندان کهریزک دارد، تسریع به عمل آید!

ایران آورده است: کاوه شیدا با اینجانب از خارج تماس گرفتند و اعلام نمودند که زنده هستند، به اطلاع می‌رساند اینجانب از روی عکس‌های آلبوم متوفیات مرکز پزشکی قانونی اشتباهاً عکسی را که شبیه فرزندم بود فکر کردم فرزندم است. ... عین مبلغی را که از آن بیمه مرکزی گرفته‌ام عودت می‌نمایم. نامه نگاری‌های دکتر شیدا حتی شامل حال وزیر وقت امور اقتصادی و دارایی نیز شده است که ایشان نیز دستور پیگیری از طریق معاون امور بانکی و

جهان و ایجاد باور هوشمندی و ذکاوت بیمه‌گران در اذهان مردم و به ویژه بیمه‌گذاران، مانعی سخت در برابر افرادی است که صنعت بیمه را زمینه مساعد و مستعدی برای سوء استفاده و تقلب می‌دانند.

وی پرونده دکتر شیدا را یک تجربه ارزشمند برای صنعت بیمه کشور ارزیابی می‌کند و می‌گوید: نامبرده توانسته بود با سوء استفاده از اعتماد شرکت‌های بیمه به مشتریان خود، کافی نبودن توجه برخی از سازمان‌ها به این موضوع و برانگیختن احساسات پاک و انسان دوستانه برخی از مسئولین، به هدف غیرانسانی خود نزدیک شود. لیکن هوشیاری کارکنان صنعت بیمه به ویژه بیمه‌آسیا این موضوع را به یک تجربه ارزشمند برای صنعت بیمه کشور و یک تجربه تلخ برای سوء استفاده‌گران از صنعت بیمه تبدیل کرد.

علیرضا بیانیان با تأکید بر اهمیت و حساس بودن وظایف بخش صدور و پرداخت خسارت بیمه‌های عمر می‌گوید: ضمن ارج نهادن به تلاش تمامی کارکنان باید این نکته را گوشزد کرد که یک سهل‌انگاری مختصر می‌تواند نتایج و پیامدهایی داشته باشد که در برخی موارد جبران آن ناممکن و یا بسیار سخت خواهد بود.

معاون سابق مدیرعامل بیمه‌آسیا در پایان ضمن تأکید بر «اصل حسن نیت» به عنوان یکی از اصول و پایه‌های ارایه خدمات بیمه‌ای، می‌افزاید: هرگونه اظهار کذب و نادرست از طرف بیمه‌گذار و به منظور سوء استفاده، خلاف اصل حسن نیت است. لیکن به دلیل سوء استفاده یک نفر، نگرش شرکت‌های بیمه و بخصوص شرکت بیمه‌آسیا نسبت به سایر بیمه‌گذاران تغییری نخواهد کرد. به عبارتی حسن نیت بین بیمه‌گرو بیمه‌گذار، در جامعه و اخلاق اجتماعی تأثیر بسزایی خواهد داشت.

## هوشیاری کارکنان صنعت بیمه به ویژه بیمه‌آسیا این موضوع را به یک تجربه ارزشمند برای صنعت بیمه کشور و یک تجربه تلخ برای سوء استفاده‌گران از صنعت بیمه تبدیل کرد

در ادامه گزارش شایگان نیک می‌خوانیم: ... عاقبت مشخص گردید که جسد متعلق به بستگان یکی از همکاران بیمه‌آسیا می‌باشد که پس از مراجعه وی و رویت تصویر جسد تأیید گردید که این عکس متعلق به خواهرزاده او می‌باشد که از شش ماه قبل تاکنون نیز اطلاعی از او نداشته‌اند که متعاقباً با شکایت از طرف خانواده متوفی آقای دکتر شیدا دستگیر می‌شود.

### اشک تمساح

آقای دکتر شیدا در نامه‌ای به مدیرعامل شرکت بیمه‌آسیا نوشته است: ... در حال حاضر فرزندم کاوه شیدا زنده می‌باشد و بنده در تشخیص جهت دریافت خسارت اشتباه نمودم. ... به علت شرمساری و اشتباه تقاضای فسخ بیمه‌نامه عمر و پس‌انداز فیما بین را دارم. هم‌چنین نامبرده در نامه‌ای به صندوق تأمین خسارت‌های بدنی بیمه مرکزی

بیمه را صادر کرده است. برای جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از اولین گزارش «بازخوانی یک پرونده» باید به سراغ کسی می‌رفتیم که با اشراف کامل این پرونده را به نتیجه رسانده بود. علیرضا بیانیان، معاون سابق مدیرعامل در بیمه‌های اشخاص و مسئولیت، با اشاره به سوء استفاده و تقلب در صنعت بیمه اکثر کشورهای دنیا می‌گوید: یکی از روش‌های کارآمد برای کاهش این موارد دقت نظر شرکت‌های بیمه و به خصوص کارکنان آن در رعایت برخی نکات ریز است که می‌تواند آمار سوء استفاده و تقلب در صنعت بیمه را به حداقل ممکن کاهش دهد.

معاون سابق مدیرعامل بیمه‌آسیا با مهم دانستن آموخته‌های علمی و تجربه‌های عملی بیمه‌گران می‌افزاید: همراهی علم و عمل در فعالیت بیمه‌گران حرفه‌ای در سراسر